

افسانه اویق، ویران کننده شهر نینوا و به گفته کتیاس بنیانگذار شاهنشاهی ماد نیز نمونه دیگر از این گونه روایتها است. هر دو ت از میان چهار روایت مربوط به زندگی کوروش، افسانه‌ای را که به نظر کریستن سن اصلی مادی دارد، برگزیده و پس از حذف جنبه‌های حماسی و شاخ و برگ‌های افسانه آن را به صورت منطبق درآورده است. چیزی در این مورد کمتر به ذکر می‌دانم که این امر از ویژگی‌های ادبیات اروپایی است که اجزا و عناصر برجسته افسانه‌ها و زمینه‌های گهن مشترک به دست خنیاگرها و قوال‌ها به دوره‌های بعدی دوباره ظاهر می‌شوند.

داستان‌های عاشقانه مادی - در میان

افسانه‌ها و داستان‌های که مورخان یونانی نقل کرده اند نمونه‌هایی از داستانهای عاشقانه مادی نیز دیده میشود. یکی از این داستانها که کتیاس از آن با لطفی استثنای بیان کرده است داستان پرسیشور عشق پاشگایوس شاهزاده مادی به زریینا ملکه مکارها است که پس از ناکامی در عشق به خودکشی شاهزاده مادی می‌انجامد. از دیگر داستان‌های عاشقانه مادی داستان زریادرس و ادرتیس است که این داستان در میان مردم آسیا شهرت بسیار داشته و زن پسر دیوارهای محبدها کاخ‌ها و حتی خانه‌های خصولتی نقاشی میکردند و اشراف غالباً نام دختران خویش را ادرتیس می‌گذارند. به نظر بویس، این داستان اصل مادی دارد و همین پرسشش خدای عشق احتمالاً آنها را ارتباط داشته است. این داستان معروف بعداً به صورت گشتاسب و کتابون وارد حلقه کیمیا شده و در

شاهنامه فردوسی منعکس گشته است.
در کتابهای حماسی و عاشقانه در
کتابها و منابع های دیگری از تفهیل و به
شمار زیادی نقل شده است و من در
این پاپ نمی توانم که همه روایتها
را جمع به حماسی و عشقی این شاهان و
شاهزاده گان و دختران و ملکه نقل می
کنم. چندین مثالهای معروف را که لازم
می دانم ذکر کردم. فکر میکنم که کافی است.